

ماجرای تصحیح ترجمه رساله قشیریه

سیده مریم روضاتیان*

چکیده

در قرن پنجم هجری همزمان با اوج گرفتن مباحث عرفانی و به تبع آن رواج روزافزون تألیفات متعدد در حوزه عرفان اسلامی، ابوالقاسم قشیری با دقت نظر خاصی که در اندیشه‌های عرفانی داشت، اثری برجای گذاشت که از همان زمان تألیف جایگاه خود را به دست آورد و اندکی بعد به فارسی نیز ترجمه شد. نخستین بار حدود نیم قرن پیش ترجمه رساله قشیریه با انتساب به ابوعلی عثمانی، توسط فروزانفر تصحیح و چاپ شد. این اثر بخصوص با توجه به مقدمه و تعلیقات فروزانفر از امتیازات بسیاری برخوردار بود؛ لیکن کاستی‌هایی در متن و حواشی آن به چشم می‌خورد و با گذشت زمان، احساس نیاز به وجود متنی منقح از ترجمه رساله قشیریه بخصوص برای تدریس در مقطع تحصیلات تکمیلی، تصحیح دوباره ترجمه رساله قشیریه را ضروری ساخت. اخیراً تصحیح تازه‌ای از این اثر توسط مهدی محبتی منتشر شده که پرسش‌هایی را به دنبال داشته است: آیا تصحیح محبتی از ترجمه رساله قشیریه انتظار خوانندگان را برای روبه رو شدن با متنی منقح از این اثر برآورده می‌سازد یا این که ماجرای تصحیح ترجمه رساله قشیریه به دلیل راه یافتن کاستی‌هایی مشابه تصحیح پیشین و یا افزون بر آن همچنان ادامه دارد؟ مقاله حاضر برای پاسخ به این پرسش‌ها تدوین شده است.

واژه‌های کلیدی

ترجمه رساله قشیریه، ابوعلی عثمانی، متن مصحح فروزانفر، متن مصحح محبتی

مقدمه

تهیه تصویر نسخه‌های خطی ترجمه رساله قشیریه، مقابله و تصحیح آن کار معظمی بود که برای نخستین بار بدیع الزمان فروزانفر بدان همت گماشت و علی‌رغم سنت تصحیح مکرر یک اثر ادبی توسط مصححان مختلف، ترجمه رساله قشیریه تا اندکی پیش به نام تنها مصحح آن تجدید چاپ می‌شد. این اثر در کنار کوشش‌های ارزنده فروزانفر از کاستی‌هایی نیز برخوردار بود که پیش از این در دو مقاله به نام‌های «کاستی‌های ترجمه و تصحیح رساله قشیریه» و

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان sm.rozatian@ltr.ui.ac.ir

«ضرورت تصحیح ترجمه ابوعلی عثمانی از رساله قشیریه» به آنها پرداخته شده است. اخیراً تصحیح تازه‌ای از ترجمه رساله قشیریه توسط مهدی محبتی به چاپ رسیده و مصحح محترم در مقدمه کتاب تصریح کرده که نقایص تصحیح فروزانفر را در متن مصحح خود برطرف کرده است. چاپ این اثر پرسش مهمی را به دنبال داشته است: آیا متن مصحح اخیر توانسته است انتظار پژوهشگران ادبیات عرفانی؛ بخصوص علاقمندان ترجمه رساله قشیریه را برای در اختیار داشتن متنی پیراسته و منقح برآورده سازد؟ برای پاسخ دادن به این پرسش، در این مقاله شیوه محبتی در تصحیح ترجمه رساله قشیریه و میزان توفیق یا عدم موفقیت وی در رفع کاستی‌های تصحیح فروزانفر، بررسی شده است. بدین منظور متن مصحح محبتی از نظر انتخاب نام مترجم، شیوه تصحیح متن و ارائه حواشی با توجه به دست نوشته‌های موجود از ترجمه رساله قشیریه و نیز متن مصحح فروزانفر تحلیل و نقد شده است.

متن

۱- ابوعلی عثمانی به عنوان مترجم رساله قشیریه

رساله قشیریه در اواخر عمر قشیری یا اندکی پس از درگذشت او، به دست یکی از شاگردانش به نام ابوعلی عثمانی به فارسی ترجمه شد. در اواسط یا اواخر قرن ششم ترجمه رساله قشیریه به کرمان رسید و شیخ الشیوخ خواجه احمدبن ابراهیم پارسا آن را به نزد ابوالفتوح النیسابوری که آن زمان در کرمان به سر می برد، فرستاد تا ترجمه را که به نظر سقیم می رسید، اصلاح کند. ابوالفتوح بر آن شد تا رساله را دوباره ترجمه کند؛ اما اجل به او مهلت نداد و تنها برخی قسمت‌ها ترجمه شد و در سایر بخش‌ها اصلاحاتی در ترجمه اول صورت گرفت. از ترجمه اول دو دست نوشته موجود است: نسخه قدیم‌تر که سال ۶۰۱ توسط محمدبن عمرقزوینی کتابت شده در موزه بریتانیا نگهداری می شود. البته ترتیب برخی باب‌ها در این نسخه با متن عربی متفاوت است و اوراق آن جابه جا شده است. نسخه دوم در سال ۸۵۹ کتابت شده و نام کاتب ندارد. این نسخه که در کتابخانه ایاصوفیه نگهداری می شود، کامل است و ابواب آن با متن عربی مطابقت دارد. تنها دست‌نوشته شناخته شده از ترجمه دوم در کتابخانه لالا اسماعیل ترکیه محفوظ است و تاریخ و نام کاتب ندارد. دیباچه‌ای که بر ترجمه دوم نوشته شده، قدیم‌ترین اثری است که از خواجه امام ابوعلی بن احمد العثماني به عنوان مترجم رساله قشیریه نام برده است. این دیباچه همچنین تنها سندی است که از مترجم دوم؛ یعنی خواجه امام اجل زاهد ابوالفتوح عبدالرحمن بن محمد النیسابوری و مشوق او؛ یعنی شیخ الشیوخ احمد بن ابراهیم پارسا نیز نام برده است. فروزانفر تنها دست‌نوشته ترجمه دوم را نسخه اساس خود قرار داد و اختلاف‌های نسخه بریتانیا را با آن در حاشیه ذکر کرد و هر جا نسخه بریتانیا صحیح به نظر رسید؛ در داخل قلاب به متن منتقل کرد. بنابراین متن مصحح فروزانفر ترجمه ابوعلی عثمانی از رساله قشیریه نیست؛ بلکه وی در حقیقت ترجمه ابوالفتوح النیسابوری را تصحیح کرده است، هرچند به دلیل مقابله و گاه تلفیق آن با یکی از نسخه‌های ترجمه اول، اصالت ترجمه دوم نیز از بین رفته است. نهایتاً این که متن مصحح فروزانفر با آن که به نام ابوعلی عثمانی چاپ شده، نه ترجمه عثمانی است و نه ترجمه نیسابوری (روضاتیان و میرباقری فرد، ۱۳۸۹: ۱۹۲). نظیر همین انتقاد بر تصحیح محبتی نیز وارد است، با این تفاوت که محبتی ترجمه و دریافت خود را از متن عربی رساله با تصحیح فروزانفر آمیخته و به نام ابوعلی عثمانی چاپ کرده و بدین ترتیب متن مصحح محبتی از ترجمه اصیل رساله قشیریه بسیار دور افتاده است. از سوی دیگر محبتی توجهی به اختلاف نسخه‌های بر جا مانده از ترجمه رساله قشیریه نداشته و در پانوشت هر صفحه بیشتر به ترجمه عبارات عربی و شرح لغات و مشکلات متن پرداخته و گاه اختلاف ترجمه را با متن عربی ذکر کرده است. این اشکال در بخش بعد که

به بررسی شیوه تصحیح محبتی اختصاص دارد، روشن‌تر تبیین شده است.

۲- شیوه تصحیح متن

۱-۲ تفاوت شیوه تصحیح محبتی و فروزانفر

محبتی در مقدمه متن مصحح خود ضمن ارج نهادن بر کوشش هشت ساله فروزانفر، یادآور شده است « از روزی که استاد فروزانفر تصحیح ترجمه رساله را آغاز کرد، بیش از نیم قرن می‌گذرد؛ ولی چاپ و نشر رساله بر همان منوال ادامه یافته است و علی‌رغم ضرورت نگاه و ویرایش نوین و مجلد آن، تقریباً هیچ تغییر عمده و قابل‌ذکری در محتوا و شکل کتاب صورت نگرفته است و این در حالی است که وجود دلایل و عوامل استوار و تازه سالهاست که چاپ جدید و مجلّدی از ترجمه رساله قشیریه را امری ناگزیر و ضروری می‌نماید» (قشیری، ۱۳۹۱: ۲۷ مقدمه). محبتی پس از ذکر این نکته مطالبی تحت عنوان «مقابله با اقدم و اصح نسخ» بیان کرده است. چنین عنوانی این شبهه را ایجاد می‌کند که مصحح دست‌نوشته تازه‌ای از ترجمه رساله قشیریه یافته است؛ لیکن مطالب ذیل عنوان نشان می‌دهد که مقصود محبتی از اقدم و اصح نسخ، نسخه بغداد است که متن عربی رساله است و نه ترجمه ابوعلی عثمانی. البته باتوجه به مناسبات بینامتنی که در میان آثار عرفانی وجود دارد (رک: روضاتیان و میرباقری فرد، ۱۳۹۰: ۱۰۵) در تصحیح متنی که ترجمه مستقیم از عربی است، مراجعه به متن اصلی ضروری به نظر می‌رسد؛ اما نه به گونه‌ای که استقلال ترجمه فارسی نادیده انگاشته شود و این نکته‌ای است که محبتی خود بر آن تأکید کرده است: «این جمله‌ها و نکته‌ها از هرکس بوده باشد، امروزه از آن زبان فارسی است؛ چرا که سوخته دلی جان افروخته با روغن واژه‌های خود آنها را به جان و زبان فارسی ریخته و چشم و چراغ این زبان ساخته است» (قشیری، ۱۳۹۱: ۲۷ مقدمه). با این حال محبتی در شیوه تصحیح خود به گونه دیگری عمل کرده است: «برای تصحیح و تطبیق دقیق متن فارسی ناگزیر باید متنی جدید و پیراسته که از همه جهات با موزه بغداد که به اعتراف بسیاری صحیح‌ترین و قدیم‌ترین نسخه رساله قشیریه است - همخوانی داشته باشد فراهم می‌آید» (همان، ۲۹ مقدمه). محبتی در جای دیگر از مقدمه نیز بر این شیوه تصحیح در مقایسه با شیوه فروزانفر تأکید کرده است: «نکته بسیار مهم آن است که در چاپ استاد فروزانفر متن فارسی حاصل ترکیب و تلفیق دو نسخه فارسی است (یعنی اول نسخه موزه بریتانیا به شماره ۵۷۴۱۱۸ به کتابت محمدبن عمر قزوینی در پنجم ذی‌الحجه سال ۶۰۱ در بغداد و موجود در کتابخانه ایاصوفیه به شماره ۲۰۷۷ کتابت شده به سال ۸۵۹ و دوم نسخه لالا اسماعیل به شماره ۱۲۰ کتابت شده در نیمه دوم قرن ششم یا اوایل قرن هفتم که کاتب آن شناخته شده نیست) که نسخه نخستین را ایشان «مب» نام نهاده و دومین را اصل گرفته‌اند. متن پدید آمده فارسی فروزانفر آمیزش هوشمندانه و عالمانه و در عین حال درهم ریخته این دو نسخه است. مبنای ما در این ویرایش مطابقت قطعی و حتی لفظی متن فارسی با نسخه عربی موزه بغداد - به عنوان اقدم و اصح نسخ - است. به همین خاطر از ترکیب دو متن فارسی عبارات را از گروه خارج کرده‌ایم و در صورتی نو ریخته‌ایم تا صرفاً مطابق متن اصلی عربی باشد» (همان، ۳۶-۳۷ مقدمه). محبتی در معرفی شیوه تصحیح فروزانفر دقت لازم را نداشته است؛ زیرا اولاً فروزانفر از نسخه ایاصوفیه به دلیل آن که در اواسط کار به دستش رسیده چندان استفاده نکرده است (قشیری، ۱۳۸۳: ۷۸ مقدمه) و از سوی دیگر، مبنای کار خود را ترجمه دوم؛ یعنی نسخه لالا اسماعیل قرار داده و هر جا نسخه بریتانیا را صحیح‌تر یافته داخل گروه وارد متن کرده است. البته باید توجه داشت، این شیوه در تمام متن رعایت نشده و مقایسه متن مصحح فروزانفر با نسخه‌های خطی دلالت بر پریشانی عملکرد فروزانفر در بخش‌های مختلف کتاب دارد (روضاتیان و میرباقری فرد، ۱۳۸۹: ۱۹۱). شیوه محبتی نیز بسامان‌تر از

شیوه فروزانفر نیست؛ زیرا نه تنها توجهی به معیارهای مطلوب و پذیرفته شده تصحیح نسخه نداشته و ظاهراً در هیچ یک از نسخ خطی موجود از ترجمه‌های رساله قشیریه تعمق نکرده، تنها بر ویرایش متن مصحح فروزانفر و تطبیق آن با متن عربی رساله پای فشرده است. به همین دلیل برخلاف تصحیح پیشین که بخش عمده‌ای از پانوشت هرصفحه به اختلاف نسخه‌ها اختصاص یافته بود، در متن مصحح محبتی به اختلاف نسخه‌ها پرداخته نشده و فقط در برخی پانوشت‌ها کلمه «متن» وارد شده که نشان می‌دهد، مصحح بر اساس نسخه عربی، ترجمه را تغییر داده است.

۲-۲. افتادگی‌ها و محذوفات

محبتی در بخش دیگری از مقدمه، ذیل این عنوان به مواردی اشاره کرده که از متن عربی به ترجمه فارسی منتقل نشده است. از جمله حذف کامل یک تا چند بیت، حذف برخی ترکیبات دعایی و معترضه، حذف سلسله اسنادها و... سپس تاکید کرده است "در لابه لای متن مصحح جدید انواع این حذف و افتادگی‌ها را آورده‌ایم" (قشیری، ۱۳۹۱: ۳۰ مقدمه). روشن است که هر دو مترجم رساله قشیریه گاه در ترجمه یا نقل مطلبی از متن اصلی دچار خطا شده اند (روضاتیان، ۱۳۸۶: ۱۴۸)؛ اما باید در نظر داشت که جای پرداختن به این نکات در تعلیقات متن است و وارد کردن هرگونه عبارتی از متن عربی، اعم از جمله‌های معترضه یا سلسله اسناد و یا عبارات‌ها و آیات حذف شده عربی، اصالت ترجمه فارسی را از بین می‌برد. علاوه بر آن تعمق در متون عرفانی فارسی - خواه ترجمه یا شرح مستقیم متنی عربی باشد و یا تألیفی که غیر مستقیم از آثار عربی تأثیر پذیرفته - نشان می‌دهد که جمله‌های معترضه دعایی که بوفور در آثار عربی دیده می‌شود و نیز سلسله اسناد طولانی با ذوق خوانندگان فارسی زبان تناسبی ندارد و به همین دلیل بیشتر متون عرفانی فارسی، از این گونه عبارات‌ها پیراسته شده است. بدین ترتیب وارد کردن اسنادها یا جمله‌های دعایی در بهبود تصحیح متن تأثیری ندارد؛ بخصوص که در دست‌نوشته‌های ترجمه رساله قشیریه و حتی متن عربی آن نیز در ذکر این عبارات‌ها اختلاف وجود دارد. در یک متن «رضی الله عنه» آمده و در متنی «رحمه الله» و در متنی دیگر هیچ عبارت دعایی ذکر نشده است و همین نکته نشان می‌دهد که به کار بردن این گونه عبارات‌ها بیشتر مربوط به ذوق و سلیقه کاتبان بوده است، نه خواست مؤلف یا مترجم اثر مورد نظر.

۲-۳. طرح اشکالات نگارشی متن مصحح فروزانفر

محبتی در بخشی از مقدمه به "اشکالات و مشکلات نگارش و ویرایش متن مصحح فروزانفر" پرداخته و مواردی را همچون "تفاوت نگارش یک کلمه در یک صفحه، سرهم نوشتن و یا ضبط نادرست برخی کلمات، جدا نوشتن حروفی که جزء فعل هستند، یک دست نبودن جمله‌های دعایی، شیوه ضبط واژه‌ها به صورتی که نه مثلاً حرف اضافه که در برخی جاها به صورت کی آمده و... " (قشیری، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۵ مقدمه) مطرح کرده است. باید توجه داشت که بسیاری از این موارد به دلیل تمسک فروزانفر بر حفظ رسم الخط دست‌نوشته‌ها بوده است. هرچند این مسأله، موانعی برای خوانش متن ایجاد می‌کند؛ اما با توجه به این که خوانندگان متونی چون ترجمه رساله قشیریه عمدتاً دانشجویان تحصیلات تکمیلی و پژوهشگران ادبیات عرفانی هستند، طبیعتاً خوانندگانی با این سطح علمی باید از بسنده کردن به "متن خوانی" صرف خودداری کنند و "متن‌شناسی" و "متن‌پژوهی" را هدف اصلی خویش قرار دهند. در این صورت است که کار خوانش متن منحصر به متن چاپی نخواهد بود؛ بلکه خوانندگان در صورت لزوم به نسخه‌های خطی هر اثر نیز - که امروزه دسترسی به تصاویر آنها غالباً بسادگی و از طریق اینترنت نیز امکان پذیر است - مراجعه خواهند کرد و فی‌المثل درخواهند یافت که در دست‌نوشته ترجمه رساله قشیریه حرف "که" به شکل "کی" نوشته شده است. متأسفانه بی‌دقتی در همین مسأله سبب راه یافتن اشکالاتی در چاپ‌های اخیر ترجمه رساله قشیریه مصحح فروزانفر شده و

ظاهراً محبتی نیز بیشترین اشکالات وارد بر متن مصحح فروزانفر را به دلیل در اختیار داشتن چاپ‌های تازه این اثر مطرح کرده است.^۱

۳- حواشی محبتی بر ترجمه رساله قشیریه

۳-۱. ترجمه عبارت های عربی

محبتی در بخشی از مقدمه ذیل عنوان «مستند سازی، ترجمه آیات، روایات، ابیات و عبارات عربی» بیان می‌کند: «فهم بسیاری از جمله‌ها و ابیات عربی موجود در ترجمه برای بسیاری از خوانندگان حتی در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری براحتی قابل فهم نبود و بر هیچ مأخذ و مستندی جز آیات قرآن کریم تکیه نداشت». وی تأکید می‌کند که این موارد در ویرایش جدید ترجمه و به یکی از کتاب‌های مهم روایی یا دیوان‌های شعری و... مستند گشته است (همان، ۳۵ مقدمه). با توجه به این که برای اولین بار مهدوی دامغانی درباره مأخذ ابیات عربی رساله قشیریه تحقیق کرده بود و چاپ‌های اخیر متن فروزانفر به همراه تحقیقات مهدوی دامغانی منتشر شده است و نیز انتشار اثری با عنوان تحقیق در رساله قشیریه توسط محرم رضایتی کیشه خاله، انجام دوباره چنین کاری چندان قابل توجیه به نظر نمی‌رسد، خصوصاً که دانشجویان تحصیلات تکمیلی لازم است، با تمامی آثار مرتبط با متن اصلی از قبیل کتاب، مقاله و پایان نامه آشنایی پیدا کنند، بدین ترتیب این کوشش مصحح نیز کمک چندان به رفع مشکلات اساسی متن رساله قشیریه نکرده است.

۳-۲- توضیح ابهامات متن فارسی

در متن مصحح محبتی، بخشی از هر صفحه به بیان توضیحات مرتبط با متن به شکل پانوشت اختصاص داده شده است. معنای کلمه‌های عربی و فارسی، ترجمه عبارت‌ها و ابیات عربی و گاه شرح برخی عبارت‌های فارسی از این جمله است. علی‌رغم تأکید مکرر مصحح محترم بر این که کوشش شده متن مصحح دارای کمترین ابهام باشد و تمامی جمله‌ها و واژه‌های مشکل متن با نثری ساده و امروزی شرح و تفسیر شود (همان، ۳۶)؛ اما ظاهراً اشکالات بسیاری در متن وجود دارد که مغفول مانده است. برای خودداری از تطویل کلام به ذکر نمونه‌هایی از این اشکالات که به طور تصادفی از باب‌های توبه و ورع انتخاب شده است، بسنده می‌شود:

۳-۲-۱. باب توبه

قشیری توبه را «اول منزل از منزل‌های این راه» می‌نامد و باب توبه ترجمه رساله قشیریه مدخل پرداختن به سایر مراحل سیر و سلوک به شمار می‌آید. مطالب این باب از یک سو با متون کهن‌تر همچون شرح تعریف در ارتباط است و از دیگر سو به متونی چون کشف المحجوب نیز راه یافته است. با توجه به اهمیت مبحث توبه و نیز جایگاه رساله قشیریه در زنجیره روابط بینامتنی آثار عرفانی، دریافت درست از مباحث این باب اهمیت ویژه‌ای دارد، با این حال در متن مصحح فروزانفر از ترجمه رساله قشیریه اشکالاتی راه یافته که تحلیل مطالب را دشوار می‌کند. این اشکالات در متن محبتی نیز کمابیش باقی است مثلاً:

۳-۲-۱-۱: «و محال بود که از آنچه گذشته بود بر پشیمانی بود و بر آن مصر بودن مانند او یا بر آن عزم بود که نیز آن گناه کند» (قشیری، ۱۳۹۱: ۱۷۹).

این عبارت در متن مصحح فروزانفر دقیقاً به همین صورت آورده شده و محبتی در توضیح آن تنها به ذکر عبارت عربی و ترجمه آن به نقل از فروزانفر اکتفا کرده است، حال آن که اشکال متن همچنان باقی است. با آن که محبتی در مقدمه تأکید کرده است که «گذاردن نشانه‌های نگارشی» با دقت انجام شده «به گونه‌ای که کمترین ابهام را در درک

مطالب برای خواننده ایجاد کنند» (همان، ۳۶)؛ اما در این عبارت هیچ نشانه نگارشی وجود ندارد و در تصحیح آن نیز دقت لازم مبذول نشده و این درحالی است که این عبارت محل اشکال بسیاری از خوانندگان متن بوده است. مقایسه دست‌نوشته‌های ترجمه رساله قشیریه نشان می‌دهد که کلمه «بودن» مطابق دست‌نوشته ترجمه دوم است (لالا اسماعیل، ۵۴: الف) اما عبارت در دست‌نوشته قدیم‌تر ترجمه اول چنین است: «و محال بود کی آنچه برگزیده بود و پشیمانی شده بران مصر باشد و عزم دارد کی با سر آن شود» (بریتانیا، ۷۹: ب). هرچند مترجم اول کمی از ترجمه تحت اللفظی متن عربی دور شده است؛ اما عبارت دست‌نوشته ترجمه اول صحیح‌تر است.^۲ این عبارت در نسخه ایاصوفیه که نسخه متأخر ترجمه اول است، با دقت بیشتری وارد شده است «و محال بود که از آنچه برگزیده بود پشیمان شده بران مصر باشد و عزم دارد که با سر آن بشود» (ایاصوفیه، ۴۴: الف).

۲-۳-۱: «اول از آن، بیداری دل است از خواب غفلت و دیدن آنچه بر وی می‌رود، از احوال بد بر او تا این جمله پیوندد به توفیق به گوش داشتن بدانچه بر خاطرش درآید از زجرکنندگان از جهت حق به گوش دل» (قشیری، ۱۳۹۱: ۱۷۹). در این عبارت تفاوت تصحیح محبتی با فروزانفر در حد تغییر رسم الخط کلمات برو، بتوفیق و بگوش است. محبتی عبارت را در پانویس به این صورت توضیح داده است: «یعنی اول قدم، بیداری دل است از خواب غفلت و دیدن بنده احوال بدی را که در وجود او جاری و حاکم است تا این فهم بنده را توفیق دهد تا گوش کند به مواعظ بازدارنده‌ای که از دلش به او می‌رسد و او را از بدی باز می‌دارد» (همان).

توضیحاتی از این دست در پانویس‌های متن مصحح محبتی فراوان است و هیچ گره‌ای از مشکلات متن بازنمی‌کند. این عبارت - همچون بسیاری دیگر از بخشهای ترجمه رساله قشیریه - باید با توجه به مناسبات بینامتنی آثار عرفانی و نیز ویژگی‌های ذکر شده برای مراحل سیر و سلوک شرح شود، به این صورت که پاسخ گوی پرسش‌های زیر باشد:

۱- چرا قشیری اول توبه را بیداری از خواب غفلت می‌داند؟ مراجعه به منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری و بحثی که درباره یقظه و انتباه دارد پاسخ گوی این پرسش است (رک: انصاری، ۱۴۱۷: ۳۵-۳۷).

۲- احوال بد و دیدن آنها چه مفهومی دارد؟ برای یافتن این پرسش نیز مناسبت بینامتنی رساله قشیریه با بحث یقظه در منازل السائرین راه گشاست (همان) و توضیحات خواجه عبدالله نشان می‌دهد، مفهوم ارائه شده توسط محبتی برای احوال بد دقیق نیست.

۳- منظور از زجرکنندگان از جهت حق چیست؟ بحث خواطر در متون عرفانی و اقسام آن و وجود خاطر حقانی و تأثیر آن در توبه می‌تواند ابهام این عبارت را برطرف کند، حال آن که در توضیح محبتی هیچ اشاره‌ای به خواطر نشده و در نتیجه معنای «از جهت حق» مغفول مانده است.

این عبارت در دست‌نوشته ترجمه اول موجز تر و سلیس‌تر است: «اول بیداری دلست از خواب غفلت و دیدن بنده آنچه بروی می‌رود از احوال بد بگوش داشتن بدانچه بخاطرش درآید از زواجر حق بسمع دل» (بریتانیا، ۸۰: الف) و (ایاصوفیه، ۴۴: الف).

۲-۳-۱: «چون به دل فکرت کند - آنچه بر وی رفته باشد از ناشایستها - توبه اندر دل وی فرا دیدار آید و از {معاملت زشت} بازایستد و حق، او را مدد فرستد به عزم درست کردن و کارهای نیکو بر دست گرفتن» (قشیری، ۱۳۹۱: ۱۷۹).

محبتی رسم الخط کلماتی چون بدل، بعزم، کاره‌اء را تغییر داده؛ اما برای این عبارت هیچ توضیحی ذکر نکرده و علاوه بر آن با استفاده نادرست از نشانه نگارشی خط فاصله اشکال متن را بیشتر کرده است. یکی از ویژگی‌های سبکی

ترجمه رساله قشیریه حذف حروف اضافه است. در این عبارت نیز، «آنچه بر وی رفته باشد از ناشایستها» جمله معترضه نیست تا بین خط فاصله ذکر شود؛ بلکه حذف حرف «در» پیش از آنچه سبب ابهام عبارت شده است: (چون درباره آنچه بر وی رفته باشد بیندیشد...)

این عبارت با اندک تفاوتی در دست نوشته‌های ترجمه اول دیده می‌شود و محبتی به شیوه فروزانفر عبارت [معاملت زشت] را از ترجمه اول وارد متن کرده و برخلاف آنچه در مقدمه نوشته است، عبارت افزوده شده، از این نسخه را از قلاب خارج نکرده است.

۲-۳-۱-۴. «و اسباب توبه را ساختن، اول آن بردن است از یاران بد که رفیق بد، بدسگال بود و درستی عزم بر وی بشویده کند و تمامی دواعی که او را بدین راه خواند خوف و رجا است» (قشیری، ۱۳۹۱: ۱۷۹-۱۸۰).

در این عبارت محبتی «کی» را به صورت «که» وارد متن کرده و در پانویس اشاره کرده است که ترجمه ناقص است. سپس ادامه مطلب را از متن عربی نقل و ترجمه کرده: «متن افزوده دارد: و لا يتم ذلك الا بالمواظبة على المشاهد التي تزيد رغبته في التوبة و توفر دواعيه على اتمام ما عزم عليه. و كامل نمی گردد این احوال مگر با مواظبت بر جایگاههایی که رغبت به توبه را زیاد می کند و تمامی انگیزه‌های او را بر اتمام آن معطوف می کند» (همان). حال آن که ابهام این عبارت در جمله پایانی آن است "و تمامی دواعی که او را بدین راه خواند خوف و رجا است" و در هیچ یک از دو متن مصحح به این نکته اشاره نشده و این نشانه بی‌توجهی به متن عربی و نیز دست نوشته‌های ترجمه رساله قشیریه است. فروزانفر در پانویس، عبارت را از دست‌نوشته ترجمه اول نقل کرده و تأکید کرده که در هر دو ترجمه مسامحه رفته است (قشیری، ۱۳۸۳: ۱۸۳). محبتی نیز با ناقص ذکر کردن عبارت عربی، ابهام این عبارت را همچنان باقی گذاشته است. متن عربی در ادامه عبارتی که محبتی ناقص ذکر و معنا کرده افزوده دارد: «مما يقوى خوفاً و رجاءاً». این بخش پایانی عبارت مذکور با آن که از نظر ارتباط توبه با خوف و رجا از اهمیت فراوانی برخوردار است، هم در ترجمه‌های رساله قشیریه و هم در دو متن مصحح مغفول مانده و بدین ترتیب ابهام آن در متن محبتی و ترجمه ناقصی که در پانویس ارائه داده، برطرف نشده است. عبارت در دست نوشته‌های ترجمه اول با متن عربی بیشتر مطابقت دارد و ابهام آن از ترجمه دوم کمتر است: «...و این کار تمام نشود، الا بر مواظبت بر مشاهدی کی رغبت در توبه زیادت کند و تمامی دواعی ویرا بدین راه خواند و امید بود کی چون این همه امد همه نکویدها از دل نفرت گیرد...» (بریتانیا، ۸۰: الف). [و نیز (ایاصوفیه، ۴۴: ب) با اندکی اختلاف] اما مترجم اول نیز خوف را ترجمه نکرده و رجا را در ارتباط با ادامه متن ذکر کرده است.

۲-۳-۱-۵. «واسطی گوید طربی اندر داود (علیه السلام) فرا دیدار آمد از حلاوت طاعت، به اندوه و از حسرت به دل شد و او اندر این حال تمامتر بود از آنکه در آن وقت که کار بر وی پوشیده بود» (قشیری، ۱۳۹۱: ۱۸۴).

محبتی به اشتباه فعل «بدل شد» را به صورت «به دل شد» ضبط کرده است. از طرف دیگر ترجمه‌ای که از متن عربی مرتبط با این عبارت در پانویس ارائه داده دقیق نیست. همچنین هیچ یک از دو مصحح به زائد بودن حرف «از» پیش از کلمه حسرت توجه نکرده‌اند و ابهام اصلی عبارت فوق درحقیقت به همین دلیل است. عبارت در متن فروزانفر و محبتی مطابق دست نوشته ترجمه دوم است؛ زیرا نسخه بریتانیا فاقد این عبارت است، اما علی‌رغم این که متن دست نوشته لالا اسماعیل با خط نسخ بسیار روشن کتابت شده، چنین سهوی در تصحیح متن اتفاق افتاده است. در این نسخه به جای حرف «از»، کلمه «انفاس» بوضوح قابل تشخیص است «به اندوه و انفاس حسرت بدل شد» (لالا اسماعیل، ۵۶: الف) و متأسفانه عدم مراجعه به دست نوشته‌های ترجمه رساله قشیریه و بسنده کردن به متن مصحح فروزانفر سبب راه یافتن این اشتباه در متن محبتی نیز شده است. این عبارت در نسخه ایاصوفیه چنین نقل شده است:

«واسطی گوید طرب و نشاط داود علیه السلام بر آنچه وی دران بود از حلاوت طاعت بود که ویرا دران اندوه بسیار افکنند وی در حالت دوم تمام تر بود ازان وقت که کار بر وی پوشیده بود» (ایاصوفیه، ۴۶: الف).

۲-۳-۱-۶. «و گفته‌اند توبه صفت مومنان بود. قال الله تعالی: و توبوا الی الله جمیعا ایها المومنون. و انابت صفت انبیا بود و آن مقربان علیهم السلام. قال الله تعالی نعم العبد انه اواب» (قشیری، ۱۳۹۱: ۱۸۲).

فروزانفر درباره این عبارت نوشته است که دست‌نوشته بریتانیا مطابق متن عربی است (قشیری، ۱۳۸۳: ۱۴۱). محبتی نیز در پانوشت اشاره کرده است که پس از مقربان «متن افزوده دارد قال الله تعالی و جاء بقلب منیب و به غیر از این توضیح به ترجمه آیات قرآن کریم بسنده کرده است. در حالی که در این قسمت سهوی از جانب مترجم دوم اتفاق افتاده و یک عبارت به همراه آیه شریفه که محبتی در پانوشت ذکر کرده، از متن ترجمه افتاده و علی رغم تأکید مصحح محترم بر مقابله دقیق ترجمه با متن عربی، به این نکته توجهی نشده است: «التوبة صفة المومنین قال الله تعالی و توبوا الی الله جمیعا ایها المومنون و الانابة صفة الاولیا و المقربین قال الله تعالی و جاء بقلب منیب و الاوبة صفة الانبیا و المرسلین قال الله تعالی نعم العبد انه اواب». مراجعه به دست‌نوشته‌های ترجمه اول می‌توانست اشکال متن را برطرف کند؛ زیرا این بخش در دست‌نوشته موزه بریتانیا و ایاصوفیه به طور دقیق وارد شده است (بریتانیا، ۸۲: الف) و (ایاصوفیه، ۴۵: الف).

۲-۳-۱-۸. «یحیی بن معاذ گوید یا رب نگویم که توبه کردم و نیز باز آن نگردم و ضمان نکنم که نیز گناه نکنم که ضعیفی خویش دانم. پس گویم نیز نکنم مگر بمیرم تا بیش گناه نکنم» (قشیری، ۱۳۹۱: ۱۸۳). محبتی در پانوشت آورده است: «متن: ثم انی اقول لا اعود لعلی اموت قبل ان اعود که بهتر است چنین ترجمه شود: بنابراین می‌گویم بر نمی‌گردم به گناه شاید که بمیرم پیش از آن که به گناه برگردم» (همان).

با توجه به این که لعل از ادات ترجیحی است، «مگر» ترجمه رساتری است؛ زیرا مگر از اداتی است که مفهوم امیدواری را نیز انتقال می‌دهد، اما در ترجمه محبتی به این نکته توجه نشده است. در ترجمه اول نیز «مگر» در مقابل لعل به کار رفته است: «مگر بمیرم پیش از آن کی گناه کنم» (بریتانیا، ۸۳: الف) و (ایاصوفیه، ۴۵: ب).

۲-۳-۱-۹. «گفتند این حکم آن بود که از وجود بیرون آمده باشد، نه حکم آن که از عدم بیرون آمده باشد» (قشیری، ۱۳۹۱: ۱۸۴). محبتی در پانوشت وجود را «مال و ثروت» و عدم را «فقر» معنی کرده است. حال آن که ثروت و فقر نه معنای لغوی وجود و عدم است و نه هیچ قرینه‌ای در این عبارت و جمله‌های قبل و بعد آن وجود دارد که مؤید این نکته باشد و بدین صورت ابهام این عبارت همچنان باقی مانده است.

عبارت در دست‌نوشته ترجمه اول چنین است: «گفتند کی این حکم کسی راست کی از وجود بیرون آمده باشد حکم کسی کی از عدم بیرون آید چگونه بود» (بریتانیا، ۸۳: الف) [و نیز (ایاصوفیه، ۴۵: ب) با اندکی اختلاف]. علاوه بر این که ترجمه اول روشن تر است، توجه به تعریفات مذکور از فنا و بقا در آثار عرفانی و مرتبه‌های آن نیز برای توضیح این عبارت راه گشاست.

۲-۳-۲. باب ورع

۲-۳-۲-۱. «و چون کار بر ایشان تنگ شد به آن آمدند که از هر چیز به اندکی قناعت کردند» (قشیری، ۱۳۹۱: ۲۰۲). در پانوشت توضیح داده شده «به آن مرتبه و نتیجه رسیدند» (همان). آیا مرتبه و نتیجه هم معنی است که مصحح محترم با ربط دادن این دو کلمه عبارت «به آن آمدند» را معنی کرده و آیا اصلاً این توضیح ابهام عبارت را برطرف می‌کند؟ باتوجه به این که عبارت در دست‌نوشته‌های ترجمه اول نیز همین گونه است (بریتانیا، ۹۳: الف) و

(ایاصوفیه، ۵۰:ب)، با مراجعه به متن عربی می‌توان مفهوم عبارت را دریافت؛ اما در توضیح این عبارت بر خلاف شیوه مصحح هیچ اشاره‌ای به اصل عربی نشده است: «فنظروا فی الوریع فلما ضاقت علیهم الامور فزعوا الی التقلل».

۲-۳-۲. «بشر حافی را به دعوتی خواندند. طعام پیش او نهادند خواست که دست فراز کند، دست وی فرمان نبرد. باری چند چنان کرد. مردی که آن عادت او دانست گفت دست وی فرا طعامی که اندر وی شبهت بود نرسد و فرمان نبرد. بی نیاز بود صاحب این دعوت از خواندن او شرم داشت» (قشیری، ۱۳۹۱: ۲۰۴).

محبتی در پانوشت، متن عربی و ترجمه فروزانفر را نقل کرده و افزوده است: «متن عربی تصریح به ماکان اغنی دارد و صحبتی از شرم میزبان هم نیست» (همان). توضیح فروزانفر و محبتی ابهام متن را برطرف نمی‌کند؛ اما می‌توان با توجه به دست نوشته‌های متن عربی توجیه دیگری برای این عبارت ارائه داد (رک: روضاتیان، ۱۳۸۶:). نسخهٔ بریتانیا جمله «بی نیاز بود صاحب این دعوت از خواندن او شرم داشت» را ندارد» (بریتانیا، ۹۴:ب) در نسخهٔ ایاصوفیه نیز عبارت با اندکی اختلاف وارد شده است: «بشر حافی را رحمة الله علیه به دعوتی بردند و طعام فرایش او نهادند خواست که دست دراز کند دستش فرمان برداری نکرد باری چند چنان می‌کرد مردی که آن عادت او دانسته بود گفت دست وی بطعامی که در آن شبهت بود نرسد» (ایاصوفیه، ۵۱:الف).

۲-۳-۲. «مردی نامه‌ای نوشت اندر سرایی که به کرا گرفته بود. خواست که خاک بر آن نامه کند از دیوار آن خانه» (قشیری، ۱۳۹۱: ۲۰۵).

علی رغم ابهام موجود در این عبارت، هیچ توضیح در پانوشت دیده نمی‌شود. ظاهراً مرسوم بوده است که برای خشک شدن مرکب نامه، بر آن نوعی خاک نرم می‌پاشیدند (رک: فضائلی، ۱۳۵۶: ۵۵).

۲-۳-۲. «از بهشت محبوسم که چهل سال قفیز از غبار پیمانانه بر من بیرون آورده اند» (قشیری، ۱۳۹۱: ۲۰۷).

محبتی در پانوشت توضیح داده «یعنی چهل سال گناه به خاطر گرد و خاک پیمانانه برایم ساخته اند» (همان).

نسخهٔ بریتانیا فاقد این عبارت است؛ اما اگر مصحح محترم به نسخهٔ ایاصوفیه مراجعه می‌کرد و یا حداقل بر شیوهٔ منتخب خود؛ یعنی مقایسهٔ ترجمه با متن عربی استوار می‌بود، قطعاً اشکال وارد در این عبارت برطرف می‌شد، حال آن که ایشان هیچ اشاره‌ای به دریافت نادرست مترجم از متن عربی این عبارت نکرده است: «و قد اخرج علی من غبار القفیز الذی اکتبته اربعین قفیزاً» یعنی چهل پیمانانه نه چهل سال: «که چهل قفیز از غبار قفیز بر من بیرون آوردند» (ایاصوفیه، ۵۲:الف).

نتیجه

با وجود این که ترجمهٔ رسالهٔ قشیریه یکی از متون معتبر عرفانی و نیز از نخستین آثار زبان فارسی در عرفان اسلامی است که در متون پس از خود نیز تأثیر فراوان برجا گذاشته؛ اما تا امروز تصحیحی دقیق و متقن از آن ارائه نشده است. هرچند متن مصحح فروزانفر مزایای بسیاری دارد؛ اما اشکالات و کاستی‌های راه یافته در این متن، تصحیحی تازه از این اثر را ضروری ساخته است. به همین دلیل از متنی که به عنوان تصحیح ترجمهٔ رسالهٔ قشیریه توسط مهدی محبتی انتشار یافته است، انتظار بود که حداقل بخشی از این کاستی‌ها را جبران کند. با این حال هرچند کوشش مصحح محترم در ارائهٔ متنی آراسته و پیراسته کاملاً مشهود است؛ اما شیوه‌ای که محبتی در تصحیح متن برگزیده، کار تصحیح ترجمهٔ رسالهٔ قشیریه را همچنان ناتمام رها کرده است. بی‌توجهی به دست نوشته‌های موجود از ترجمهٔ رسالهٔ قشیریه؛ بویژه نسخهٔ ایاصوفیه که فروزانفر نیز آن گونه که باید از آن بهره نبرده بود و اتفاقاً در برطرف کردن بسیاری از اشکالات راه یافته در متن ترجمهٔ رسالهٔ قشیریه راهگشاست، آمیختن متن مصحح فروزانفر با دریافت مصحح از متن عربی، آوردن شرح و توضیحات

ناکافی و گاه نامتناسب برای عبارات مبهم، عدم دقت لازم در شرح مشکلات، ذکر نادرست نام ابوعلی عثمانی به عنوان مترجم متن مصحح و... از جمله کاستی‌های راه یافته در متن محبتی است. سخن آخر این که ترجمه ابوعلی عثمانی از رساله قشیریّه از آغاز به دست هر که افتاد در معرض تطبیق هرچه بیشتر با متن عربی قرار گرفت. این کار با مترجم دوم آغاز شد، به واسطه فروزانفر ادامه پیدا کرد و در متن اخیر به اوج رسید و بدین ترتیب ترجمه ابوعلی عثمانی از رساله قشیریّه همچنان چشم انتظار تصحیحی قانونمند بر مبنای دست نوشته‌های به جا مانده از این اثر باقی مانده است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- چاپ‌های اخیر متن مصحح فروزانفر با افزودن تحقیقات احمد مهدوی دامغانی در مآخذ ابیات و عبارات عربی و ویرایش ایرج بهرامی منتشر شده و اغلاط بسیاری در آن راه یافته است، مثلاً ویراستار هر جا کلمه «کی» در متن فروزانفر دیده به «که» تبدیل کرده است. به عنوان نمونه در آخرین حکایت باب توبه کلمه کی (چه زمانی) بغلط به «که» تبدیل شده است: گویند علی بن عیسی برنشسته بود به موکبی عظیم و غربا می‌گفتند این کیست. زنی بر بام ایستاده بود گفت تا که گویند این کیست (قشیری، ۱۳۸۸: ۲۰۵).
- ۲- مطالب دست نوشته‌های ترجمه رساله قشیریّه با حفظ رسم الخط آن‌ها نقل شده است.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- انصاری، خواجه عبدالله. (۱۴۱۷). *منازل السائرین*، قم: بیدار.
- ۳- رضایتی، کیشه خاله، محرم. (۱۳۸۴). *تحقیق در رساله قشیریّه*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۴- روضاتیان، سیده مریم. (۱۳۸۶). «کاستی‌های ترجمه و تصحیح رساله قشیریّه»، نشریه علمی پژوهشی گوهر گویا، سال اول، شماره اول، ص ۱۵۲-۱۴۳.
- ۵- روضاتیان، سیده مریم و سید علی اصغر میرباقری فرد. (۱۳۸۹). «ضرورت تصحیح ترجمه ابوعلی عثمانی از رساله قشیریّه»، نشریه ادب و زبان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، شماره ۲۷ (پیاپی ۲۴)، ص ۲۰۵-۱۸۷.
- ۶- ----- (۱۳۹۰). «خوانش بینامتنی دریافت بهتر از متون عرفانی»، کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی، سال دوازدهم، شماره ۲۳، ص ۱۱۲-۸۹.
- ۷- فضائلی، حبیب الله. (۱۳۵۶). *تعلیم خط*، تهران: سروش.
- ۸- قشیری، ابوالقاسم. (۱۳۸۳). *رساله قشیریّه*، ترجمه ابوعلی عثمانی، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم.
- ۹- ----- (۱۳۸۸). *رساله قشیریّه*، ترجمه ابوعلی عثمانی، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، شرح حال استاد فروزانفر و مآخذ ابیات عربی از احمد مهدوی دامغانی، تهران: زوآر، چاپ دوم.
- ۱۰- ----- (۱۳۹۱). *رساله قشیریّه*، ترجمه ابوعلی عثمانی، تصحیح مهدی محبتی، تهران: هرمس، چاپ اول.
- ۱۱- -----، *رساله قشیریّه*، ترجمه اول، نسخه خطی موزه بریتانیا، شماره ۴۱۱۸.
- ۱۲- -----، *رساله قشیریّه*، ترجمه اول، نسخه خطی ایاصوفیه، شماره ۲۰۷۷.
- ۱۳- -----، *رساله قشیریّه*، ترجمه دوم، نسخه خطی کتابخانه لالا اسماعیل، شماره ۱۲۰.